



تأثیر روش یادگیری مشارکتی بر روی دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر یاسوج

گلنار صالحی خواه^۱، مریم بستام^۲، زیبا بستام^۳

چکیده

هدف این تحقیق تأثیر روش یادگیری مشارکتی بر روی دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر یاسوج است و این که آیا مشکلات خواندن آن‌ها در گروه و با کمک یکدیگر حل می‌شود یا خیر؟ بنابراین از دو روش یادگیری یک ساو ۱ و روش جیک ساو ۱۱ استفاده شده است تا تأثیر آن در بهبود خواندن کودکان و یادگیری آن‌ها بررسی شود. با توجه به موضوع روش نیمه آزمایشی طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون انتخاب شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس هوشی و کسلر استفاده شد و برای تعیین میزان اختلال خواندن دانش‌آموزان از آزمون تشخیص خواندن که معروف به آزمون شیرازی است استفاده شد همچنین از داده‌های به دست آمده حاصل از نتایج پیش‌آزمون، پس‌آزمون، آزمون تعقیبی و تأخیری، برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. ضریب روایی ۰/۸۵ برآورد گردید و ضریب پایایی به روش باز آزمایی در طول یک ماه برای مقیاس کل ۹۵/۰ مقیاس کلاس ۹۳/۰ و مقیاس عملی ۹/۰ می‌باشد که میانه ضرایب پایایی ۷۳/۰ گزارش شده است. در مرکز اختلالات یادگیری توسط یک مربی در طول هفته به ۲۰ دانش‌آموز خدمات آموزشی ارائه شد و در دو نوبت ترجیحاً ۴۰ نفر دانش‌آموز تحت آموزش قرار گرفتند. در این پژوهش با انتخاب تصادفی ۲۰ نفر از دانش‌آموزان نوبت اول به عنوان گروه آزمایش و ۲۰ نفر از دانش‌آموزان نوبت دوم به عنوان گروه گواه لحاظ گردیده است. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون t گروه‌های مستقل (t تست) و از نرم‌افزار SPSS جهت کارهای آماری استفاده گردید تا عملکرد دو گروه مستقل آزمایش و گواه مقایسه شود. یافته‌های پژوهش مبین آن است که یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش آموزش انفرادی در کاهش مشکلات پایه اول ابتدایی مؤثر است از فرضیه‌ها استنباط می‌شود که یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش آموزش انفرادی در عدم افزودن و یا حذف کلمات در متن مؤثر است، پس می‌توان نتیجه گرفت دانش‌آموزانی که به روش مشارکتی آموزش دیده‌اند در کسب مهارت خواندن از عملکرد بهتری برخوردار شده‌اند.

کلیدواژه: روش یادگیری مشارکتی، روش آموزش، انفرادی دانش‌آموزان نارساخون، پایه اول ابتدایی شهر یاسوج

^۱ نویسنده مسئول: لیسانس، رشته امور تربیتی، دانشگاه پیام نور یاسوج، SeyedahGulnar.salehikhah1400@gmail.com

^۲ فوق لیسانس، رشته مهندسی شبکه‌های کامپیوتری، دانشگاه آزاد بوشهر، Maryami.bastam@gmail.com

^۳ فوق دیپلم، رشته طراحی دوخت، دانشگاه دولتی دکتر معین محل دانشگاه رشت، Ziba.bastam1400@gmail.com

۱_ بیان مسئله

مشکلات خواندن نوعاً شامل عدم توانایی در بازشناسی با درک نوشته‌ها هستند و در این میان بازشناسی فرآیند بنیادی‌تری محسوب می‌شود، چراکه پیش از آنکه کلمه‌ای را درک کنیم، باید آن را تشخیص دهیم. مشکلات درک مطلب معمولاً در سطح عبارات و به هم پیوستن اطلاعات موجود در جمله نیز وجود دارند. مشکلات خواندن شاید بیش از سایر مشکلات اختصاصی یادگیری، در حوزه‌های مختلف یادگیری مانع پیشرفت تحصیلی می‌شود زیرا خواندن راه دستیابی به دامنه گسترده‌ای از اطلاعات است. عدم موفقیت کودک در یادگیری خواندن در سال‌های اولیه مدرسه او را به شدت از دیگر موارد برنامه درسی بازمی‌دارد. مشکلات خواندن همچنین بر فراگیری اطلاعات خارج از برنامه درسی نیز اثر منفی دارد (نریمانی، ۱۳۸۰)

بنا به نظر کالوگر و کالسون^۴ (۱۹۸۷) ۸۵ تا ۹۰ درصد اختلالات یادگیری به اختلالات خواندن مربوط است. کودکان دارای اختلالات خواندن دارای ویژگی‌های تقریباً مشابهی هستند، از جمله این‌که به خواندن تمایل ندارند؛ دامنه توجهشان کوتاه است، در تمرکز مشکل دارند، در مدرسه افت کرده، احساس ناامیدی بی‌لیاقتی و کم‌جراتی می‌کنند، در خواندن شفاهی و کلامی تردیدآمیز و گاهی دچار لکنت می‌شوند به‌جای اینکه چشمشان را هنگام خواندن حرکت دهند؛ بدنشان را تکان می‌دهند، وقتی مطلبی را آهسته می‌خوانند لبانشان را تکان می‌دهند یا در ذهنشان مطلبی دیگر می‌خوانند حافظه دیداری و شنیداری ضعیفی دارند و فاقد تمیز و تشخیص کافی شنیداری‌اند (پابلانو آدریان، ۲۰۰۵).^۵

اعتقاد بر این است که علت اختلال خواندن وجود مشکل در سلسله‌مراتب خواندن است. مراحل برای رشد خواندن پیشنهاد شده است. اولین و اساسی‌ترین مرحله رشد خواندن مرحله آمادگی است که شامل جنبه‌های وراثتی خانوادگی، و محیطی است و به رشد مسائل پایه اشاره می‌کند. مرحله دوم شروع خواندن است که آغاز شناسایی حروف و یادگیری حروف الفباست و پس‌از آن مرحله رشد سریع خواندن است. دامنه کلمات در چند مرحله گسترش می‌یابد. در مرحله خواندن گسترده مهارت‌های درک، گزینش، ارزشیابی و انواع مطالب آموزشی رشد می‌کند. بالاترین درجه خواندن مرحله پالایش خواندن است که شامل پیشرفت مهارت‌های مطالعه و سرعت خواندن و رسیدن به تفکر انتقادی و کاربرد مطالب خوانده‌شده است (تبریزی، ۱۳۸۰). رابرت اسلاوین^۶ (۱۹۹۰) با بررسی و تجزیه و تحلیل ۲۵ تحقیق انجام‌گرفته در خصوص یادگیری مشارکتی گزارش نمود که اکثر تحقیقات مذکور تأثیر یادگیری مشارکتی را بر روابط بین فردی، پذیرش همکلاسی‌های دارای عقب‌ماندگی‌های تحصیلی، افزایش دوستی بین دانش‌آموزان، علاقه‌مندی به مدرسه، دروس و موضوعات مورد مطالعه و توانایی انجام کار مؤثر با دیگران را مورد حمایت و تأیید قرار داده است (قربانی، ۱۳۸۰).

در مدارس عادی کودکان دارای ناتوانی یادگیری، مخصوصاً ناتوانی خواندن شناسایی شده و به مراکز اختلال یادگیری معرفی می‌شوند و در آن مراکز تحت بازپروری قرار می‌گیرند اما در مراکز اختلال یادگیری آموزش خواندن و بازپروری دانش‌آموزان و حل مشکلات خواندن (نارساخوانی) به صورت انفرادی انجام می‌شود. از آنجاکه پژوهش‌های انجام‌شده تأثیر مثبت یادگیری مشارکتی را نسبت به یادگیری انفرادی و سنتی در مورد کودکان عادی دوره ابتدایی نشان داده است، این پژوهش در جهت پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا روش مشارکتی می‌تواند در حل مشکلات نارساخوانی دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری تأثیر مثبت داشته باشد؟

⁴ Kaloger & Calson

⁵ Poblano, Adrian

⁶ Slavin

۲_ مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲_۱_ خواندن

زمانی سخن از خواندن و آموزش آن به میان می‌آید که سروکار کودک با علائم زبان، کلمات و جملات باشد. در نظام آموزشی کشور ما کودکان در سال اول دبستان خواندن را می‌آموزند. بنابراین زمینه‌ی پرورش استعداد های خواندن بایستی در مراکز پیش‌دبستانی به‌ویژه در دوره آمادگی فراهم آید.

اهل فن خواندن را چنین تعریف کرده‌اند: ((خواندن، تفسیر معنادار نمادهای کلامی یا چاپ‌شده است)) خواندن تقریباً همیشه فعالیتی بامعناست. خواندن، چیزی بیش از تفسیر نمادهای نوشته‌شده و یا چاپ‌شده بر یک صفحه است. خواندن فرآیندی شناختی است که بین دیدگاه‌های خواننده و فرآیند خواندن را که ارتباط زیادی با مطلبی که بناست فراگرفته شود بیان می‌کند، خواندن مهارتی است که همه ما آن را عادی می‌شماریم ولی در واقع فرآیندی پیچیده و عالی است (خرازی، ۱۳۷۵).

۲_۱_۱_ عوامل مؤثر در خواندن

حال باید دید برای این که کودک بتواند به‌طور مطلوب و در حداقل مدت خواندن را بیاموزد، همه نوع استعدادهایی را باید پرورش داد. برای دستیابی به این امر باید عواملی را که در (خواندن) مؤثر واقع می‌شوند مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. حال به‌اختصار به شرح عواملی که در (خواندن) مؤثرند پرداخته می‌شود:

۱_ ادراک بینایی: کودک باید بتواند اختلاف‌های جزئی میان شکل‌های برخی از علائم زبان را مانند ت و ث یا خ و ج را تشخیص دهد و چشمش را منظم و مداوم حرکت دهد.

در اینجا یادآور می‌شویم که قدرت بینایی یا قدرت دید را نباید با اداره بینایی اشتباه کرد. قدرت دید کودک بسیار قوی‌تر از بزرگسال است، تنها دامنه‌ی دید او محدودتر است. از این رو امروزه نوشتن کلمات یا علائم با خط درشت و بزرگ برای این که کودک بتواند خوب ببیند و تشخیص دهد مردود شناخته شده است. وقتی کلمه‌ای بزرگ نوشته شود کودک به‌واسطه‌ی محدودیت دامنه‌ی دید آن را در یک نگاه نمی‌تواند ببیند و نیاز به حرکت چشم دارد. برعکس.

در ادراک بینایی مغز است که نقش فعال به عهده دارد و امور را مورد تفسیر و تعبیر قرار می‌دهد.

مثال:

وقتی کلمه‌ای را از دور می‌بینیم باوجود این که تصویر آن روی شبکیه‌ی چشم کوچک منعکس می‌شود آن را به‌اندازه‌ی واقعی‌اش می‌بینیم، یا وقتی چشم روی خطوط متنی حرکت می‌کند بی‌آنکه کلمه‌ای دیده شده به ذهن متبادر می‌شود و حتی خواننده قبل از آن که کلمات بعدی را ببیند آن‌ها حدس می‌زند. (توفیق، ۱۳۷۸).

نیکل الوزرو^۷ (۱۹۷۶) اهمیت سرعت و آهنگ حرکت چشم را در یادگیری خواندن بررسی کرده است که اختلال در سازمان‌دهی نگاه مانند طولانی بودن زمان واکنش حرکت چشم، نامنظم بودن چشم اختلالاتی در خواندن ایجاد می‌کند. بر همین اساس او توانست اهمیت پرورش نگاه و آهنگ حرکت چشم را یادآور شود.

۲_۳_ ناتوانی‌های یادگیری تحولی

ناتوانی‌های یادگیری تحول شامل آن گروه از مهارت‌های پیش‌نیاز^۸ است که کودک برای کسب و یادگیری موضوعات درسی به آن‌ها نیاز دارد. یک کودک برای یادگرفتن این که چگونه نامش را بنویسد باید چندین مهارت پیش‌نیاز در زمینه‌های ادراکی هماهنگی حرکت چشم دست، زنجیره سازی^۹، حافظه و نظایر آن‌ها را بهبود و تکامل بخشد. برای یادگیری خواندن یک کودک باید از نظر شنوایی و بینایی

⁷ Nikel L.eserve

⁸ Pererequisite

⁹ Sequencung

به‌اندازه‌ی کافی تمایز ایجاد کند و حافظه شنوایی و بینایی، زبان و سایر عملیات ذهنی را تکامل بخشد. خوشبختانه این عملکردها در بیشتر کودکان به‌اندازه‌ی کافی تحول می‌یابند تا آن‌ها قادر باشند موضوعات درسی را یاد بگیرند.

۲-۴_ ناتوانی‌های یادگیری تحصیلی

همان‌گونه که در بخش سمت راست شکل ۲-۱ نشان داده شده ناتوانی‌های یادگیری مشکلاتی هستند که به‌طور اصولی به‌وسیله‌ی کودکان سن دبستانی تجربه می‌شوند. این اصطلاح شامل ۱_ ناتوانی‌های خواندن ۲_ ناتوانی‌های نوشتن ۳- ناتوانی‌های هجی کردن و بیان انشایی ۴_ و ناتوانی‌های ریاضی و محاسبه کردن می‌باشد. هنگامی که به نظر می‌رسد کودکی توانایی بالقوه یادگیری و موقعیت و امکان یادگیری در مدرسه را دارد، اما پس از دریافت تعلیم کافی نمی‌تواند یاد بگیرد می‌توان او را به‌عنوان فرد ناتوان از یادگیری در خواندن و نوشتن یا هجی کردن یا بیان انشایی و یا ریاضیات در نظر گرفت (رونقی، ۱۳۷۷).

۲-۵_ ویژگی‌های کودکان دارای اختلال خواندن

تبریزی (۱۳۸۱) به نقل از کالوگر و کالسون^{۱۰} (۱۹۷۸) بیان می‌دارد که ۸۵ تا ۹۰ درصد اختلالات یادگیری به اختلالات خواندن مربوط است. اگرچه نمی‌توان ویژگی‌های صد در صد مشابهی را در این کودکان مشاهده کرد اما می‌توان گفت اغلب آنان ویژگی‌های زیر را دارند:

- ۱- بیشتر این کودکان پسر هستند. بنابر برخی تحقیقات تعداد پسرانی که این مشکل را دارند چهار برابر تعداد دختران است
 - ۲- در کلاس‌های درس غالباً مشکلات رفتاری دارند
 - ۳- تمایل به خواندن ندارند.
 - ۴- قادر نیستند یک دایره لغات بینایی ایجاد کنند.
 - ۵- دامنه توجهشان کوتاه است.
 - ۶- در تمرکز مشکل دارند
 - ۷- معمولاً در مدرسه افت تحصیلی داشته‌اند.
 - ۸- معمولاً دارای مشکلات جسمی مثل ضعف بینایی و شنوایی هستند.
 - ۹- مشکلات مسائل هیجانی دارند
 - ۱۰- احساس ناامیدی بی‌لیاقتی و کم جراتی می‌کنند.
 - ۱۱- در خواندن شفاهی و کلامی تردید می‌کنند و گاهی دچار لکنت می‌شوند.
 - ۱۲- به‌جای این که چشم‌هایشان را هنگام خواندن حرکت دهند، سرشان را تکان می‌دهند
 - ۱۳- کلمه به کلمه می‌خوانند
 - ۱۴- به نقطه‌گذاری توجه ندارند و از توجه به معنی لغت غافلند.
- پابلانو آدریان (۲۰۰۵) اظهار می‌دارد که کودکان دارای اختلالات خواندن وقتی مطلبی را آهسته می‌خوانند، لب‌هایشان را تکان می‌دهند یا در ذهنشان لغات را می‌خوانند.
- واژه‌ها را غیر مرتبط به محتوی و غیر مرتبط با عناصر آوایی حدس می‌زنند و کلماتی را که تازه خوانده‌اند جابه‌جا یا تکرار می‌کنند.

¹⁰ Kaloger & Kalson

۲-۶ روش‌های یادگیری مشارکتی

اسلاوین در سال ۱۹۹۱ در یک جمع‌بندی از تحقیقات انجام‌شده در زمینه یادگیری مشارکتی، هشت شیوه یادگیری مشارکتی را معرفی می‌نماید که در تازه‌ترین تحقیقات به کار گرفته شده‌اند و اثربخشی خود را در دستاوردها نشان داده و مورد تأیید قرار گرفته‌اند. این هشت شیوه عبارت‌اند از:

۱- گروه‌های پیشرفت تیمی از دانش‌آموزان

در این شیوه دانش‌آموزان به گروه‌هایی که از ۴ تا ۵ نفر تشکیل می‌شود تقسیم می‌شوند. در این گروه‌ها دانش‌آموزان از لحاظ جنسیت، نژاد، زمینه‌های خانوادگی و فرهنگی، تجربیات قبلی و متفاوت می‌باشند. معلم ابتدا درس را ارائه می‌نماید و بعد دانش‌آموز در گروه‌ها به بررسی و مطالعه پیرامون موضوع می‌پردازند. در پایان دانش‌آموزان در آزمون‌های انفرادی شرکت نموده و سپس نمره‌های آزمون دانش‌آموزان با میانگین نمره‌های گذشته آن‌ها مقایسه می‌شود و نمره‌ی نهایی بر اساس پیشرفت آن‌ها نسبت به عملکردهای گذشته آن‌ها تعیین می‌شود. این روش در تدریس موضوعات متعدد، نظیر ریاضیات، زبان و علوم اجتماعی در پایه‌های دوم ابتدایی تا سطوح دانشگاه مورد استفاده قرار گرفته است.

روش فوق برای تدریس دروسی که زمینه‌های علمی محض دارند مانند محاسبات و کاربردهای ریاضی، دستور زبان و کاربردهای آن، جغرافیا و... بسیار مناسب است (فقیهی، ۱۳۷۱).

۲- روش مسابقه‌ی تیمی^{۱۱} یا رقابت و مسابقه‌ی تیمی: TGT

در این روش، روش تدریس معلم و کار گروهی کاملاً شبیه روش قبلی است، ولی تفاوت آن‌ها در این است که دانش‌آموزان به جای شرکت در آزمون در مسابقات هفتگی شرکت می‌کنند. در این مسابقات دانش‌آموزان هر تیم به منظور کسب امتیاز برای تیم خود با دانش‌آموزان گروه‌های دیگر که دارای سوابق تحصیلی مشابه هستند در گروه‌های سه‌نفره به رقابت می‌پردازند. این روش مانند روش قبلی برای تدریس دروسی که زمینه علمی دارند مناسب است.

۳- یادگیری انفرادی با یاری گرفتن از تیم^{۱۲}: TAT

در این روش نیز تیم‌های چهارنفره از دانش‌آموزان که در سطوح کارایی متفاوت هستند تشکیل می‌شود و به تیم‌هایی که عملکرد مطلوب داشته باشند گواهینامه اعطا می‌شود. با این حال تفاوت‌هایی میان این روش با روش‌های قبل به چشم می‌خورد. برای نمونه در دو روش تفاوت‌هایی پیشین، آموزش دانش‌آموزان به صورت جمعی و یکسان آرایه می‌شود ولی در این روش، یادگیری مشارکتی با آموزش فردی درمی‌آمیزد به علاوه دو روش قبلی برای تدریس بسیاری از موضوع‌ها و در اغلب پایه‌ها مناسب می‌باشد در صورتی که روش فوق مختص آموزش ریاضیات در پایه‌های سوم تا ششم (یا دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر) طراحی شده است. آزمون‌های نهایی هر مبحث بدون کمک هم‌تیم‌ها پاسخ داده می‌شود و آن‌ها را سرگروه‌ها تصحیح کنند. معلمان هر هفته تعدادی از بخش‌های مطالعه شده‌ی دانش‌آموزان هر تیم را محاسبه می‌کنند و براساس تعداد آزمون‌های برگزار شده، امتیازات کسب‌شده و امتیازات اضافی مربوط به تکالیف شب به تیم‌هایی که در بالاترین سطح قرار می‌گیرند، گواهینامه با جوایز گروهی دیگر اعطا می‌کنند.

۴- قرائت و نگارش تلفیقی مشارکتی: (CIRC)^{۱۳}

این روش که در حقیقت برنامه‌ای جامع برای آموزش قرائت و نگارش در سال‌های آخر دوره‌ی ابتدایی است. جدیدترین شیوه‌ی یادگیری مشارکتی به شمار می‌رود. در این روش، معلمان به شیوه برنامه‌های سنتی، از تشکیل گروه‌های قرائت استفاده می‌کنند و دانش‌آموزان را به گروه‌های مختلف که از دو جفت دانش‌آموزان تشکیل شده است تقسیم می‌کنند. هنگامی که معلم به آموزش یکی از تیم‌ها اشتغال دارد، تیم‌های دیگر به یک سلسله فعالیت‌های شناختی، با نظیر قرائت در حضور همدیگر، بحث در مورد چگونگی نگارش یک داستان، خلاصه کردن یک داستان، املاء، کلمه‌ها و لغت معنی مشغول می‌شوند در صورتی که تقسیم کلاس به گروه‌های قرائت همگن ممکن نباشد، همه دانش‌آموزان کلاس به منزله یک تیم واسعد در جریان یادگیری با یکدیگر مشارکت می‌کنند. در طول ساعت‌های تدریس زبان، دانش‌آموزان به فعالیت‌های از قبیل، اصلاح و ویراستاری آثار یکدیگر و تهیه مقدمات انتشار کتاب از سوی تیم مشغول می‌شوند.

¹¹ Teams Games Tournament

¹² Tem Assisted Individualization

¹³ Ceeneratine Tntearated Peading and Cannesiten

۳_ پیشینه تحقیق

و در پژوهشی که حمید عزیزاده در سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲ به راهنمایی سیف نراقی انجام داده است حافظه بینایی کودکان نارساخوان و عادی با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که حافظه بینایی کودکان عادی پایه دوم کمتر است (سیف نراقی نادری، ۱۳۸۱)

پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسط جلال کلاتری در سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲ به راهنمایی مریم سیف نراقی تحت عنوان بررسی و مقایسه ادراک شنوایی دانش‌آموزان نارساخوان و عادی پایه سوم ابتدایی شهر مشهد انجام گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ادراک شنوایی دانش‌آموزان نارساخوان به‌طور معنی‌داری از لحاظ آماری از ادراک شنوایی دانش‌آموزان پایه سوم مقطع ابتدایی کمتر است (سیف نراقی نادری، ۱۳۸۱).

بیابانگرد و شکبیا (۱۳۸۱) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر روش آموزش دوجانبه بر درک مطلب خواندن و رشد اجتماعی دانش‌آموزان نارساخوان پایه پنجم ابتدایی منطقه جدین سبزوار به‌منظور تعیین اثربخشی روش آموزشی دوجانبه بر درک مطلب خواندن و رشد اجتماعی دانش‌آموزان نارساخوان پایه پنجم منطقه جدین سبزوار انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان نارساخوانی که با روش آموزشی دوجانبه آموزش دیده بودند، درک مطالب و رشد اجتماعی بالاتری نسبت به دانش‌آموزان نارساخوانی که از روش سنتی علم استفاده کرده بودند از خود نشان دادند. (قلتاش، ۱۳۸۳).

پیشینه مربوط به خواندن در خارج از کشور

مطالعات انجام‌شده توسط کاس^{۱۴}، مک اوین^{۱۵} ۱۹۶۹ و سایرین نشان داد که خوانندگان ضعیف در کلاس‌های اول و دوم دارای حافظه زنجیره‌ای بینایی ضعیف‌تری نسبت به خوانندگان قوی در همان سطوح کلاسی هستند (ناعمی، ۱۳۸۳).

راجل^{۱۶} (۱۹۷۴)، تورگسن^{۱۷} (۱۹۷۸ و ۱۹۷۹) و کاویل^{۱۸} (۱۹۸۱) ارتباط معنی‌داری بین حافظه‌ی زنجیره‌ای شنیداری و ناتوانی‌های یادگیری به‌ویژه در خواندن پیدا کردند. در تلاش برای تجزیه‌وتحلیل بیشتر این مشکل رینگ^{۱۹} (۱۹۷۶) دریافت که خوانندگان ضعیف هم در زمینه تکالیف معنی‌دار و هم بی‌معنی نمرات کمتری دریافت کرده‌اند. زیرا قادر نبوده‌اند از راهبردهای یادیار و یا حل مساله برای کمک به حافظه زنجیره‌ای شنوایی‌شان استفاده کنند (سیف نراقی نادری، ۱۳۸۱).

کنعانی (۱۳۷۸) به بررسی تأثیر روش تدریس مشارکتی در مقایسه با آموزش سنتی (سخنرانی) بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه اول متوسطه شهرستان رشت پرداخت، این پژوهش بر روی ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر دختر و ۵۰ پسر) از دانش‌آموزان انجام گرفت نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که یادگیری مشارکتی بیشتر از یادگیری سنتی موجب افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. همچنین یادگیری مشارکتی تأثیر یکسانی بر پیشرفت دختران و پسران دارد به‌علاوه دانش‌آموزان قوی - متوسط - ضعیف به یک‌میزان از یادگیری مشارکتی سود می‌برند (فقیهی، ۱۳۸۱).

¹⁴ Kas

¹⁵ Mak Evin

¹⁶ Rajel

¹⁷ Thorgson

¹⁸ Kavi

¹⁹ Ring

۴_ روش اجرای تحقیق

در طرح پژوهشی حاضر از روش نیمه آزمایشی طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه استفاده می‌شود که طرح آن به شکل ذیل ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱: طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه

آزمون نهایی	متغیر مستقل	آزمون مقدماتی	R
T2	X	T1	گروه آزمایش
T2	-	T1	گروه گواه

۴_۱_ جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش کل دانش‌آموزان کلاس اول ابتدایی که در سال تحصیلی ۱۴۰۱_۱۴۰۰ در مرکز اختلالات یادگیری آموزش و پرورش شهر یاسوج ثبت‌نام نموده‌اند و تعداد آن‌ها ۴۰ نفر است می‌باشد.

۴_۲_ نمونه و روش نمونه‌گیری

دانش‌آموزانی که دارای ناتوانی یادگیری خواندن کلاس اول ابتدایی هستند توسط مدارس مربوطه به مرکز اختلالات یادگیری شهر یاسوج معرفی می‌شوند. آزمون‌های تخصصی از آن‌ها در مرکز اختلالات یادگیری گرفته می‌شود و در نهایت تحت بازپروری قرار می‌گیرند. این مرکز توسط یک مربی در طول هفته به ۲۰ نفر از دانش‌آموزان هر پایه خدمات آموزشی ارائه می‌دهد. در دو نوبت جمعاً ۴۰ نفر دانش‌آموز تحت آموزش قرار می‌گیرد. بنابراین در این پژوهش کل جامعه آماری به‌عنوان نمونه لحاظ گردیده است که ۲۰ نفر در نوبت اول و ۲۰ نفر در نوبت دوم تحت بازپروری قرار می‌گیرد در این پژوهش با انتخاب تصادفی ۲۰ نفر دانش‌آموزان نوبت اول به‌عنوان گروه آزمایش و ۲۰ نفر دانش‌آموز نوبت دوم به‌عنوان گروه گواه لحاظ گردیده است.

۴_۳_ روش جمع‌آوری اطلاعات

برای سنجش هوش طبیعی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری از مقیاس هوشی وکسلر استفاده شده و برای تعیین میزان اختلال خواندن دانش‌آموزان از آزمون تشخیصی خواندن که معروف به آزمون شیرازی است استفاده شد همچنین از داده‌های به‌دست‌آمده حاصل از نتایج پیش‌آزمون، پس‌آزمون، آزمون تعقیبی و تأخیری استفاده شده است. در تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، این نکته را نیز باید ذکر نمود که ابتدا با کمک آزمون مستقل (تی تست)، گروه‌های آزمایش و گواه در نمرات پیش‌آزمون، پس‌آزمون، آزمون تعقیبی و تأخیری مورد بررسی قرار گرفتند. سپس براساس نتایج مقایسه نمرات آزمون‌ها با یکدیگر، جداولی ارائه شد که بر مبنای افزایش یا کاهش میانگین خطاها در هر یک از گروه‌های آزمایش و گواه، تأثیرگذاری روش مشارکتی (متغیر آزمایشی) را نسبت به هر یک از فرضیه‌های اصلی و فرعی این پژوهش، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

۴-۴_ ابزارهای تحقیق

در این پژوهش جهت جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای ذیل استفاده شده است

۱_ آزمون تشخیص خواندن:

شیوه اجرای آزمون اجرای این آزمون حدود ۸ الی ۱۰ دقیقه به طول می‌انجامد که شامل سه متن (همکاری، جوجه و پرنده) می‌باشد. موارد موردنیاز برای اجرای این آزمون متن‌های خواندن پاسخنامه و کورنومتر می‌باشد که آزمون با متن همکاری شروع شده و با متن پرنده خاتمه می‌یابد و زمان خواندن هر متن ثبت می‌شود.

مقیاس هوشی و کلسر^{۲۰}

متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل در این پژوهش روش یادگیری مشارکتی و متغیر وابسته بهبود خواندن دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری می‌باشد که میزان بهبود خواندن از طریق تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون مشخص می‌شود.

۴-۵_ روش اجرای تحقیق

در طرح پژوهشی حاضر ۲ گروه آزمودنی شرکت داشته‌اند، در گروه آزمایش که تعداد آن‌ها ۲۰ نفر و دانش‌آموزان نوبت اول و گروه گواه که تعداد آن‌ها ۲۰ نفر دانش‌آموزان نوبت دوم مرکز اختلالات یادگیری آموزش و پرورش شهر یاسوج را تشکیل دادند. پس از مشخص شدن گروه‌ها (آزمایش و گواه) ابتدا آزمون از هر دو گروه گرفته شد و داده‌ها جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار گرفت و مشخص گردید که در هر دو گروه آزمودنی بین میانگین نمرات آن‌ها تفاوت معنی‌دار آماری وجود ندارد و تقریباً هر دو گروه در شروع کار یکسان هستند. سپس آموزش برای هر دو گروه توسط یک معلم آغاز شد. در گروه آزمایش معلم روش مشارکتی را به کار گرفت و در گروه گواه طبق روال عادی خود آموزش انفرادی را ادامه داد.

۴-۶_ روش تحلیل آماری داده‌ها

در این پژوهش به دلیل مقایسه عملکرد دو گروه مستقل آزمایش و گروه گواه از آزمون t گروه‌های مستقل (تی تست) استفاده شده است و از نرم‌افزار SPSS جهت کارهای آماری استفاده شده است.

فرضیه اصلی

یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش آموزش انفرادی در کاهش مشکلات نارساخوانی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی مؤثر است. داده‌های جمع‌آوری شده مربوط به این فرضیه از طریق آزمون F، t، گروه‌های مستقل موردبررسی قرار گرفته و نتایج آن در جدول ذیل ارائه شده است

جدول شماره ۲_ توصیف داده‌های مربوط به نمرات پیش‌آزمون تشخیصی خواندن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	t محاسبه شده	سطح معناداری
گواه	۲۰	۲۰/۶	۹/۹۳	۳۸	۰/۰۰۸	۰/۹۹
آزمایش	۲۰	۲۰/۵	۹/۹			

²⁰ Wechsler.Belleveue Intelligence Scale

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بین میانگین نمره پیش‌آزمون تشخیصی خواندن در دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود ندارد و در شروع تحصیل یا آموزش تقریباً هر دو گروه یکسان بوده‌اند. داده‌های مربوط به پس‌آزمون در جدول زیر ارایه شده است:

جدول شماره ۳_ توصیف داده‌های مربوط به نمرات پس‌آزمون تشخیصی خواندن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	محاسبه شده	سطح معناداری
گواه	۲۰	۶۸/۷۷	۸/۳۵	۳۸	۲/۹۶	۰/۰۰۵
آزمایش	۲۰	۱۲/۰۳	۵/۷۸			

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که: محاسبه شده برابر با ۲/۹۶ با درجه آزادی ۳۸ است و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۵ می‌باشد که چون از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد بنابراین فرضیه اصلی مورد تأیید قرار می‌گرفت یعنی یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش آموزش انفرادی در کاهش مشکلات نارساخوانی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی مؤثر است.

طبق جدول میانگین گروه گواه ۶۸/۷۷ و گروه آزمایش ۱۲/۰۳ می‌باشد ($۱۸/۷۷ < ۱۲/۰۳$) چون میانگین گروه آزمایش کمتر شده نشان‌دهنده این است که میزان خطاها کمتر شده است. بنابراین یادگیری مشارکتی مؤثر بوده است در پرسشنامه تشخیصی خواندن میزان میانگین نشان‌دهنده کاستن یا افزایش خطا می‌باشد. در اینجا می‌توان گفت متغیر آزمایشی در گروه آزمایش تأثیرگذار بوده است. روش مشارکتی میزان خطاهای دانش‌آموزان در خواندن را کم کرده است و باعث افزایش عملکرد و بهبود خواندن در دانش‌آموزان گروه آزمایش شده است

تحلیل فرضیه‌ی فرعی شماره یک

یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش انفرادی در عدم افزودن و یا حذف کلمات در متن مؤثر است. داده‌های مربوط به این فرضیه در جدول ذیل ارایه شده است:

جدول شماره ۴ مقایسه عدم افزودن و یا حذف کردن کلمات در متن در گروه آزمایش و گواه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	محاسبه شده	سطح معناداری
گواه	۲۰	۲/۸	۲/۶۳	۳۸	۲/۲۸	۰/۰۰۲
آزمایش	۲۰	۱/۳	۲/۷۴			

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که محاسبه شده برابر با 28/2 با درجه آزادی ۳۸ می‌باشد و سطح معناداری برابر با 0/02 که از 0/05 کوچک‌تر می‌باشد. بنابراین فرضیه شماره یک پژوهش تأیید می‌شود و نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد و به دلیل اینکه میانگین در خطاهای گروه آزمایش از گروه گواه کمتر است ($1/3 < 2/8$) می‌توان یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش آموزش انفرادی در عدم افزودن و یا حذف کلمات در متن مؤثر است.

تحلیل فرضیه فرعی شماره دو

یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش آموزش انفرادی در عدم تلفظ اشتباه حروف مؤثر است. داده‌های مربوط به این فرضیه در جدول ذیل ارائه شده است

جدول ۵: مقایسه هدم تلفظ اشتباه حروف در گروه آزمایش و گواه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	t محاسبه شده	سطح معناداری
گواه	۲۰	۴		۳۸	۱/۴۴	۰/۱۵
آزمایش	۲۰	۱/۱				

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که ۲ محاسبه شده برابر با ۱/۴۴ با درجه آزادی ۳۸ می‌باشد و سطح معناداری برابر ۰/۱۵ که از ۰/۰۵ بزرگ‌تر می‌باشد. بنابراین فرضیه فرعی شماره دو پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد و نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دو گروه وجود ندارد. می‌توان گفت یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش آموزش انفرادی در هدم تلفظ اشتباه حروف مؤثر نیست. یعنی متغیر آزمایش در گروه آزمایش در این مورد تأثیرگذار نبوده است. هرچند تفاوت معناداری دیده نشده اما میانگین‌ها حاکی از این است که گروه آزمایش از خطای کمتری برخوردار بوده است ولی این برخورداری چندان قابل توجه نیست.

تحلیل فرضیه فرعی شماره سه

یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش آموزش انفرادی در عدم افزودن و حذف حرف با هجا در کلمات مؤثر است. پس متغیر آزمایشی در گروه آزمایش در این مورد تأثیرگذار بوده است. زیرا با توجه به داده‌های مربوط به این فرضیه در جدول شماره ۶: نشان می‌دهد که T محاسبه شده برابر ۲/۲۸ با درجه آزادی ۳۸ می‌باشد و سطح معناداری برابر با ۰/۰۲ که از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد. و میانگین خطاهای گروه آزمایش از گروه گواه کمتر است ($1/3 < 2/8$). بنابراین فرضیه فرعی شماره سه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۶: مقایسه عدم افزودن و حذف حرف یا هجا در کلمات در گروه گواه و آزمایش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	t محاسبه شده	سطح معناداری
گواه	۲۰	۲/۸	۲/۶۳	۳۸	۲/۲۸	۰/۰۲
آزمایش	۲۰	۱/۳	۲/۷۴			

تحلیل فرضیه فرعی شماره چهار

یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش آموزش انفرادی در هدم جانیشینی کلمات در متن مؤثر است. داده‌های مربوط به این فرضیه در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول شماره ۷: مقایسه عدم جانیشینی کلمات در گروه آزمایش و گواه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	t محاسبه شده	سطح معناداری
گواه	۲۰	۵/۸۵	۴	۳۸	۲/۰۵	۰/۰۴
آزمایش	۲۰	۳/۶	۲/۸۳			

جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که t محاسبه شده برابر با ۲/۰۵ با درجه آزادی ۳۸ می‌باشد و سطح معناداری برابر با ۰/۰۴ که از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد. بنابراین فرضیه فرعی شماره چهار پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد، چون میانگین خطاهای گروه آزمایش از گروه گواه کمتر است ($3/6 < 5/85$) می‌توان گفت یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش آموزش انفرادی در عدم جانیشینی کلمات در متن مؤثر است. پس متغیر آزمایشی در گروه آزمایش در این مورد تأثیرگذار بوده است.

۵_ نتیجه‌گیری

در این پژوهش با توجه به یافته‌های به دست آمده و با توجه به مطالب بیان شده به دست آمدن عملکرد بهتر دانش‌آموزان با روش مشارکتی در این پژوهش نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. مشخص گردید که روش مشارکتی در بهبود نارساخوانی دانش‌آموزان مؤثر می‌باشد شاید دلیل این عملکرد را بتوان در گفته‌های امین زاده (۱۳۸۱)، فلچر و فومن (۱۹۹۴) ارنشتاین (۱۹۹۳)، و برونر و سایرین (۱۹۹۵)، و هنز (۱۹۹۰) و رونالد (۱۹۹۷) پیدا کرد آن‌ها بیان می‌دارند که دانش‌آموزان دارای ناتوان یادگیری با مشکلات مشترک وقتی در کنار هم جمع می‌شوند، متن‌ها را برای یکدیگر می‌خوانند و اشکالات یکدیگر را برطرف می‌کنند در این حالت به نوعی دانش‌آموزان از هم یاد می‌گیرند، به همین دلیل روحیه همکاری به دست می‌آورند و همین موجب افزایش عزت‌نفس در بین آن‌ها می‌شود و از سرخوردگی و ناامیدی که در مدرسه با آن مواجه بودند رهایی می‌یابند. روحیه تعامل و شوق و اشتیاق به یاد دادن به دیگران و تقویت احساس مسئولیت دانش‌آموزان در برابر یادگیری خود و سایر همکلاسی‌های خود افزایش پیدا می‌کند. فنون و راهبردهای جدید را از همکلاسان خود یاد می‌گیرند و مهارت‌های خود رهبری و نگرش مثبت نسبت به علم و دانش در آن‌ها تقویت می‌شود. با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت کاهش با خطاهای خواندن می‌تواند از این عوامل نشأت گرفته باشد. هرچند میزان خطاهای خواندن دانش‌آموزان به‌طور کامل برطرف نشده است اما به میزان قابل توجهی از تعداد خطاهای آن‌ها کاسته شده است.

روش مشارکتی جیک ساو ۱ برای متن‌های کوتاه خواندن و روش مشارکتی یک جیک ساو ۱۱ برای متن‌های طولانی خواندن مؤثر است اساسی‌ترین خطاهای دانش‌آموزان، افزودن و حذف حروف و کلمات و جانیشینی کلمات است که فرضیه‌های مربوطه (فرضیه شماره ۲، ۱ و ۳) مورد تأیید قرار گرفت و روش یادگیری مشارکتی باعث کاهش میزان این خطاها شد اما در ارتباط با خطاهای جابه‌جایی، تعداد این خطا در هر دو گروه آزمایش و گواه کم بود و روش یادگیری مشارکتی هم تأثیر خاصی در کاهش میزان آن نداشت و این نشان می‌دهد که میزان خطای جابه‌جایی در بین این نمونه دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری کم‌تر است. در مورد خطای تلفظ اشتباه، روش یادگیری مشارکتی در کاهش میزان این خطا در این پژوهش تأثیر نداشت که ممکن است دلیل آن این باشد که دانش‌آموزان در زمان همکاری با یکدیگر قادر به اصلاح تلفظ یکدیگر نبودند.

ع_ منابع

- ارنشتاین، آلن سی، (۱۹۹۳). مبانی اصول و مسائل برنامه‌ی درسی جلد ۱ و ۲ ترجمه‌ی قدسی، احثر. (۱۳۷۶). تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
- تبریزی، مصطفی. (۱۳۸۰). درمان اختلالات خواندن. تهران: نشر گفتمان خلاق.
- سیف نراقی، مریم و نادری، عزت‌الله. (۱۳۸۷). روانشناسی کودکان عقب‌مانده ذهنی و روش‌های آموزش آن‌ها. تهران: انتشارات سمت (در دست چاپ)
- سیف نراقی، مریم و نادری، عزت‌الله. (۱۳۷۱). بررسی روند رشد تکلم و زبان فارسی کودکان از تولد تا ۸ سالگی. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت‌معلم.
- فقیهی، فاطمه. (۱۳۸۱). جمع‌بندی تحقیقات انجام‌شده پیرامون یادگیری مشارکتی. فصلنامه اعیان و تربیت، دوره هشتم، شماره ۳.
- قلتاش، عباس. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی پنجم ابتدایی شهرکرد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
- ناعمی، محمد. (۱۳۸۳). روانشناسی آموزش خواندن مشهد. انتشارات آستان قدس رضوی.
- نیرمانی، محمد (۱۳۸۰). رفتاردرمانی. انتشارات اتقیا.
- Fleycher, J. and Forman. B. (1994). Issues In Definition and Measurement of Learning Disabilities. In G. Lyon Ed, Frames of Refernce For The Assessment of Children Whith Learning Disabilities. (pp. 185-202). Baltimor: Paul H. Brookes.
- Kavil. K. (1981). Psychopharmacologic Treatment: A Note On Classroom Effects. Journal of Learning Disabilities, 32, 48-55.
- Poblano, Adrian. (2005). Characteristics of Speeific Reading in Children From Neuro Psychologic in Mexico: Salud
- Rareky, B.P. (1991). Neuropsychological Validation of Learding Disability Subtypes. New York: Guliford Press.
- Ring, T. Richard.A. Wesiz. (1976). Intrceduction to Pbychology. Mc Graw- Hill. International Edition. New York.
- Slavin, R. (1990). Research on Cooperative Learning: Consus and Contoovry. Educational Leadership Vol. 4 No. 47.
- Thomson, M. (1995). Developmental Dyslecxia. Third Eddition, Whurr Book, London.
- Torgesen, J. (1981) Problems In The Study of Learning Disabilities. Hertyheri- ngton & J. Hagen (EDS.), Review of Research In Child Development Vol. 5. pp. 162-184.
- Torgesen., J. (1994). Issue In The Assessment of Executive Function. Batimore: Paul H. Brookes.

The effect of collaborative learning method on first grade students of Yasouj city

Abstract

The purpose of this research is the effect of cooperative learning method on the first grade students of Yasouj city and whether their reading problems can be solved in a group and with each other's help or not. Therefore, two learning methods, One Saw I and Jake Saw II, have been used to investigate its effect on improving children's reading and learning. According to the subject, the semi-experimental method of the pre-test-post-test design has been chosen. Hoshi and Kessler's scale was used to collect the data, and to determine the level of students' reading disorder, the reading recognition test known as the Shirazi test was used. Also, the data obtained from the results of the pre-test, post-test, post-test and delayed test were used to collect information. . The validity coefficient was estimated to be 0.85 and the reliability coefficient was 0.95 for the total scale, 0.93 for the class scale and 0.9 for the practical scale, and the mean of the reliability coefficients was 0.73. In the learning disorders center, an instructor provided educational services to 20 students during the week, and preferably 40 students were trained on two occasions. In this research, 20 students of the first term were randomly selected as the experimental group and 20 students of the second term were included as the control group. The information collected using the t-test of independent groups (t-test) and spss software was used for statistical work to compare the performance of two independent test and reference groups. The findings of the research show that cooperative learning is effective in reducing the problems of the first grade of elementary school compared to the individual education method. It is concluded from the hypotheses that cooperative learning is effective in not adding or removing words in the text compared to the individual education method, so we can conclude It was concluded that the students who were trained in cooperative method have better performance in acquiring reading skills.

Keywords: collaborative learning method, teaching method, individual dyslexic students, first grade of primary school in Yasouj city